**لايت مطلقه**

**مقدمه:                                             حسين جوان آراسته**

در دهه­ي شصت در پي اختلاف نظرهايي كه ميان دو ركن قوه مقنّنه يعني مجلس شوراي اسلامي و شوراي نگهبان در زمينه عدم تأييد برخي از مصوّبات مجلس پديد آمد، اصطلاح "ولايت مطلقه" وارد ادبيّات سياسي ايران شد و در سال 68 به هنگام بازنگري قانون اساسي عبارت "ولايت امر و امامت امت" در اصل 57 به "ولايت مطلقه­ي امر و امامت امت" تغيير داده شد و مفاد اين اصل كه ناظر به تفكيك قوا مي­باشد به اين صورت اصلاح گرديد:

<قواي حاكم در جمهوري اسلامي ايران عبارت است از: قوه مقننه، قوه مجريه و قوه قضاييه كه زير نظر ولايت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آينده اين قانون اعمال مي­گردند.> و بدين ترتيب بود كه اين اصطلاح در نظام حقوقي ايران نيز وارد شد. در هر دو زمينه ﴿ورود ولايت مطلقه در ادبيات سياسي و نظام حقوقي﴾ ابتكار عمل حضرت امام خميني نقشي تعيين كننده داشت. بنيانگذار انقلاب اسلامي، 20 سال قبل از بازنگري قانون اساسي يعني در سال 1348 در مقام يكي از فقهاي طراز اوّل شيعه در حوزه هزار ساله­ي نجف اشرف ـ به هنگام تبيين حكومت اسلامي ـ نظريه "ولايت مطلقه" را ارايه كرده بود. پيش از ايشان نيز فقيهان بسياري بر "**ولايت عامه**" يا "**ولايت مطلقه**" ﴿هر دو به يك معنا است﴾([[1]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn1%22%20%5Co%20%22)) تصريح و تأكيد نمودند. امّا معظم­له نخستين نظريه پردازي بودكه رؤياي تأسيس دولت اسلامي راتحقق بخشيد و فقه سياسي به دست با كفايتش جامه عمل پوشيد.

از آن­جا كه در ميان موافقان و مخالفان "**ولايت مطلقه**" برداشت­هاي گوناگون از ديدگاه امام خميني وجود دارد، اين نوشتار درصدد پاسخ­گويي به اين پرسش است كه:

**معناي ولايت مطلقه از نظر امام خميني چيست؟** بر اين اساس ناگزيريم تا آراي ايشان را از لابه لاي كتاب­ها و سخنان به جامانده از معظم له به دست آوريم.

**آراي امام خميني****در زمينه ولايت مطلقه**

1.***<اگر فرد لايقي كه داراي اين دو خصلت [علم به قانون و عدالت] باشد به پاخاست و تشكيل حكومت داد، همان ولايتي را كه حضرت رسول اكرم******در امر اداره­ي جامعه داشت، دارا مي­باشد و بر همه مردم لازم است كه از او اطاعت كنند. اين توهم كه اختيارات حكومتي رسول اكرم******بيشتر از حضرت امير******بود يا اختيارات حكومتي حضرت امير******بيش از فقيه است باطل و غلط است. البته فضايل حضرت رسول اكرم******بيش از همه­ي عالم است و بعد از ايشان فضايل حضرت امير******از همه بيشتر است، لكن زيادي فضايل معنوي، اختيارات حكومتي را افزايش نمي­دهد. همان اختيارات و ولايتي كه حضرت رسول و ديگر ائمه در تدارك و بسيج سپاه، تعيين ولات و استانداران، گرفتن ماليات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختيارات را براي حكومت فعلي قرار داده است.>.***([[2]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn2%22%20%5Co%20%22))

2.***<يكي از اموري كه فقيه، متصدي ولايت آن است، اجراي حدود است، آيا در اجراي حدود بين رسول اكرم و امام و فقيه امتيازي است؟... خداوند متعال، رسول اكرم را وليّ همه مسلمانان قرار داده و تا وقتي آن حضرت باشند حتي بر حضرت امير******ولايت دارند... همين ولايتي كه براي رسول اكرم و امام در تشكيل حكومت و اجرا و تصدّي اداره هست براي فقيه هم هست.>.***([[3]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn3%22%20%5Co%20%22))

3.***<از متأخرين مرحوم نراقي همه شؤون رسول­الله را براي فقها ثابت مي­داند و مرحوم آقاي ناييني نيز مي­فرمايند: اين مطلب از مقبوله­ي عمربن حنظله استفاده مي­شود.>.***([[4]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn4%22%20%5Co%20%22))

4.﴿پس از نقل و بررسي نصوص و روايات﴾<**فتحصل ممّا ثبوت الولاية للفقهاء من قبل المعصومين****في جميع ما ثبت لهم الولاية فيه من جهة كونهم سلطاناً علي الامّة**>.([[5]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn5%22%20%5Co%20%22))

5 . <**فللفقيه العادل جميع ما للرّسول والائمة ممّا يرجع إلي الحكومة والسياسة ولايعقل الفرق لانّ الوالي ـ ايّ شخص كان ـ هومجري احكام الشريعة و المقيم للحدود الالهيّة والإخذ للخراج و ساير الماليات والمتصرف فيها بماصلاح المسلمين>.**([[6]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn6%22%20%5Co%20%22))

آن­چه از اين عبارات استفاده مي­گردد همساني اختيارات فقيه جامع الشرايط با اختيارات پيامبر و امام در حوزه امور عمومي، سياسي و حكومتي است. به ديگر سخن، حكومت في نفسه اقتضائاتي دارد كه هر كس در رأس آن قرار گيرد از آن جهت كه حاكم بر جامعه مي­باشد و مديريت آن را بر عهده مي­گيرد، بايد داراي اختيارات كافي و بسط يد لازم باشد. بدين ترتيب روشن مي­گردد كه ولايت در امور مربوط به حكومت براي فقيه ثابت است و فقيه حق دخالت در زندگي خصوصي مردم را ندارد. در اين زمينه نيز سخن امام راهگشا است:

6 . <***آن­چه براي پيامبر و امام******از امور مربوط به حكومت ثابت است، براي فقيه نيز ثابت است. [ولي] اگر آنان ولايتي از جهات ديگر داشته باشند، فقيه چنين ولايتي را ندارد. براين اساس اگر قايل شويم كه معصوم حق طلاق دادن همسر مرد يا فروش مال او يا گرفتن مال از او ـ حتي با فرض عدم وجود مصلحت عمومي را دارد ـ چنين اختياري براي فقيه ثابت نيست***>.([[7]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn7%22%20%5Co%20%22))

اين بيان به روشني دلالت دارد كه بحث از ولايت فقيهان، منحصراً در امور اجتماعي و سياسي مطرح است و ولايت مطلقه يعني همه­ي اختيارات اجتماعي و سياسي پيامبر در عصر غيبت به فقيه عادل كاردان منتقل مي­گردد. اختياراتي كه مربوط به حكومت و سياست است، نه هر اختياري كه پيامبر داشته است. بدين ترتيب حوزه خصوصي و امور شخصي مردم به كلي از مدار ولايت مطلقه خارج مي­باشد. البته آن جا كه ميان مصلحت و منافع جامعه با اشخاص تزاحم به وجود آيد، اعمال ولايت جنبه ديگري پيدا مي­كند. باز هم به اين سخن امام توجه كنيم:

7. <***آيات و رواياتي وارد شده است كه [برخي از اختيارات] مخصوص به معصومين******است و فقها و علماي بزرگ اسلام هم در آن­ها شركت ندارند تا چه رسد به مثل اينجانب. هرچند فقهاي جامع الشرايط از طرف معصومين نيابت در تمام امور شرعي و سياسي و اجتماعي را دارند و تولّي امور در غيبت كبري مؤكول به آنان است، لكن اين امر غير ولايت كبري است كه مخصوص به معصوم است.***>.([[8]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn8%22%20%5Co%20%22))

از ديدگاه امام به جز حوزه خصوصي مردم، مورد ديگري نيز از مدار ولايت مطلقه خارج بود، با اين توضيح كه در همان موارد حوزه عمومي و امور سياسي اجتماعي اگر ثابت شود امري با اين كه خصيصه حكومتي دارد ولي مختص به معصوم است، فقيهان صاحب ولايت مطلقه، در اين جا هم، ولايتي ندارند. در دو عبارتي كه ذيلاً از نظر مي­گذرانيم مثالي هم براي آن ارايه شده است.

8 . <***اگر دليلي دلالت كند كه فلان چيز گرچه از شؤون حكومت مي­باشد ولي اختصاص به امام دارد، همان گونه كه در جهاد ابتدايي معروف است، فقيه در آن مورد ولايتي ندارد.***>.([[9]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn9%22%20%5Co%20%22))

9. <***در عصر غيبت وليّ امر و سلطان عصر نايبان عام آن حضرت كه فقيهان جامع شرايط فتوا و قضا هستند، جانشين آن حضرت در اجراي امور سياسي و ديگر اختيارات امام مي­باشند، به جز جهاد ابتدايي.***>.([[10]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn10%22%20%5Co%20%22))

از مرور بر سخنان حضرت امام مي­توان چنين نتيجه گرفت كه ايشان در مقابل ديدگاهي كه ولايت فقيهان را به افتاء يا قضاء يا اجراي احكام قضايي و حدود الهي مقيد مي­كردند، قايل به ولايت مطلقه­اند. يعني ولايت فقيه جامع الشرايط مقيد به اين امور نيست، بلكه اختيارات سياسي و حكومتي پيامبر را نيز شامل مي­گردد.

اين سخنان گرچه تا حدودي به شناخت ديدگاه حضرت امام كمك مي­نمود، اما هنوز ابعاد ناشناخته­ي نظر ايشان باقي بود. وقايع سال 1366 و طرح ديدگاه­هاي مختلف در محافل دولتي، سياسي و مطبوعاتي در زمينه محدوده اختيارات حكومت و به خصوص سخنان رييس جمهور وقت([[11]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn11%22%20%5Co%20%22)) در نماز جمعه، نقطه عطفي در اين زمينه شد. تصور عمومي براين بود كه اختيارات سياسي و حكومتي فقيه جامع الشرايط در چارچوب احكام فرعيه مطرح است و از احكام فرعيه نيز احكام فرعيه اوليه مدّ نظر بود. تا اين كه حضرت امام راز دل برگشود و بابي نو را در فقه سياسي ابداع نمود:

10. <***از بيانات جناب عالي در نماز جمعه اين طور ظاهر مي­شود كه شما حكومت را كه به معناي ولايت مطلقه­اي كه از جانب خدا به نبي اكرم******واگذار شده و اهمّ احكام الهي است و بر جميع احكام شرعيه الهيه تقدم دارد، صحيح نمي­دانيد و تعبير به آن كه اينجانب گفته­ام حكومت در چارچوب احكام الهي داراي اختيار است به كلي بر خلاف گفته­هاي اينجانب بود. اگر اختيارات حكومت در چارچوب احكام فرعيه الهيه است بايد عرض حكومت الهيه و ولايت مطلقه مفوّضه به نبي­ اسلام******يك پديده­ي بي­معنا و محتوا باشد و اشاره مي­كنم به پيامدهاي آن كه هيچ كس نمي­تواند ملتزم به آن­ها باشد. مثلاً خيابان كِشي­ها كه مستلزم تصرف در منزلي است يا حريم آن است در چارچوب احكام فرعيه نيست. نظام وظيفه و اعزام الزامي به جبهه­ها و جلوگيري از ورود و خروج ارز و جلوگيري از ورود يا خروج هر نوع كالا و منع احتكار در غير دو سه مورد و گمركات و ماليات و جلوگيري از گرانفروشي، قيمت ­گذاري و جلوگيري از پخش مواد مخدّر و منع اعتياد به هر نحو غير از مشروبات الكلي، حمل اسلحه به هر نوع كه باشد و صدها امثال آن كه از اختيارات دولتي است بنا به تفسير شما خارج است***.>.([[12]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn12%22%20%5Co%20%22))

امام در اين موضع­گيري بر يك نكته اساسي انگشت نهاد و آن اين كه بايد نوع نگاه به حكومت را تغيير داد:

11. <***بايد عرض كنم حكومت كه شعبه­اي از ولايت مطلقه­ رسول الله******است يكي از احكام اوليه اسلام است و مقدم بر تمام احكام فرعيه حتي نماز و روزه و حج است.***>([[13]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn13%22%20%5Co%20%22)) و اين سخن راز همه­ي مواضع امام بود. اين فقيه بنيانگذار، نفس حكومت اسلامي را از احكام اوليه مي­دانست و براي قوام و دوام، آن چنان اهميّت قايل بود كه در مقام تزاحم با ساير احكام اوّليه نظير نماز و روزه و حج، اولويت را به حكومت مي­داد. اين سخن بزرگ كه برخي را برآشفته نمود نشان از تيزبيني امام مي­داد، زيرا كه معظم له به خوبي مي­دانست كه اقامه نماز و روزه و حج و ترويج اين احكام اوليه در پناه حكومت اسلامي به مراتب بهتر صورت مي­پذيرد و اگر حكومت اسلامي نباشد، بسياري از احكام الهي و قوانين مدني و كيفري اسلام به تعطيلي كشانده مي­شود. در پناه حكومت است كه عدل اقامه و ظلم ريشه كن مي­شود. به همين جهت در وصيت­نامه سياسي الهي، دغدغه­ي هميشگي­  خود را بازگو نمود:

12. <***حكومت حق براي نفع مستضعفان و جلوگيري از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعي، همان است كه مثل سليمان­بن داوود و پيامبر عظيم الشأن اسلام******و اوصياي بزرگوارش براي آن كوشش مي­كردند؛ از واجبات و اقامه­ي آن از والاترين عبادات است.>.***([[14]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn14%22%20%5Co%20%22))

اينك با بصيرت بيشتر مي­توان مثال­هايي را كه امام در زمينه اختيارات حكومت زده­اند مرور نمود:

13. <***حاكم مي­تواند مسجد يا منزلي را كه در مسير خيابان است خراب كند و پول آن منزل را به صاحبش رد كند. حاكم مي­تواند مساجد را در موقع لزوم تعطيل كند و مسجدي كه ضرار باشد در صورتي كه رفع بدون تخريب نشود، خراب كند، حكومت مي­تواند قراردادهاي شرعي را كه خود با مردم بسته است در موقعي كه آن قرار داد مخالف مصالح كشور و اسلام باشد يك جانبه لغو كند و مي­تواند هر امري را چه عبادي و يا غير عبادي كه جريان آن مخالف مصالح اسلام است از آن مادامي كه چنين است جلوگيري كند، حكومت مي­تواند از حج كه از فرايض مهم الهي است در مواقعي كه مخالف صلاح كشور اسلامي دانست موقتاً جلوگيري كند. آنچه گفته شده است تاكنون و يا گفته مي­شود ناشي از عدم شناخت ولايت مطلقه الهي است آنچه گفته شده است كه شايع است مزارعه و مضاربه و امثال آن­ها با آن اختيارات از بين خواهد رفت، صريحاً عرض مي­كنم كه فرضاً چنين باشد اين از اختيارات حكومت است و بالاتر از آن هم مسايلي است كه مزاحمت نمي­كنم.***>.([[15]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn15%22%20%5Co%20%22))

نكته حايز اهميت در اين عبارات اين است كه به راستي خط قرمز اختيارات حكومت كجاست و رابطه احكام شرعيه با ولايت مطلقه را چگونه مي­توان سامان داد؟ آيا اين كه امام فرموده­اند: ولايت مطلقه و اختيارات حكومت فراتر از احكام فرعيه هستند منظور احكام فرعيه اوليّه است يا احكام فرعيه ثانويه را نيز شامل مي­گردد؟ دقت در سخنان حضرت امام روشن مي­سازد كه منظور امام فراتر بودن اختيارات حكومت از احكام اوليه مي­باشد. با نگاه به مثال­هايي كه از سوي ايشان زده شده است در مي­يابيم كه همه­ي اموري را كه حكومت به خاطر ضرورت يا مصلحت لازم به اقدام مي­بيند، قابل انطباق با احكام ثانويه است.  عناوين ثانويه كه در ابواب مختلف فقهي پراكنده­اند زياد است، ضرورت و اضطرار، ضرر و زيان، عسر و حرج و اهم و مهم از اين دسته عناوين­اند. در نظر امام مصلحت حفظ نظام نيز از جمله همين موارد است. امام در نامه خويش به حضرت آيةالله خامنه­اي**** بر عنصري به نام "**مصلحت اسلام و مسلمين**" تكيه مي­كند و چندان بر آن پافشاري مي­كند تا آنچه تاكنون مورد غفلت بسياري بوده است، جايگاه در خورِخود را بازيابد و در عرصه­ي قانونگذاري و نيز ميادين اجرايي به نقش كليدي و محوري "**مصلحت**" توجه گردد.

در همين راستا در پاسخ به نامه­ي آيةالله هاشمي رفسنجاني رييس وقت مجلس كه در قسمتي از آن آمده بود: <قسمتي از قوانين كه در مجلس شوراي اسلامي به تصويب مي­رسد، به لحاظ تنظيمات كلي امور و **ضرورت حفظ مصالح** يا دفع مفاسدي كه بر حسب احكام ثانويه به طور موقت بايد اجرا شود و در متن واقع مربوط به اجراي احكام و سياست­هاي اسلام و جهاتي است كه شارع مقدس راضي به ترك آن­ها نمي­باشد و در رابطه با اين گونه قوانين به اعمال ولايت و تنفيذ مقام رهبري احتياج مي­شود...> امام در پاسخ فرمودند:

14. <***آنچه در حفظ نظام جمهوري اسلامي دخالت دارد كه فعل يا ترك آن موجب اختلال نظام مي­شود و آنچه ضرورت دارد كه ترك آن يا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل يا ترك آن مستلزم حرج است پس از تشخيص موضوع به وسيله اكثريت وكلاي مجلس شوراي اسلامي با تصريح به موقتي بودن آن مادام كه موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو مي­شود، مجازند در تصويب و اجراي آن***>.([[16]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn16%22%20%5Co%20%22))

و اين چنين بود كه آرام آرام مسأله­اي به نام "**مصلحت نظام**" در جامعه جا افتاد و دستور تشكيل مجمع تشخيص مصلحت نظام ﴿به رغم آن كه چنين نهادي در قانون اساسي مصوب 58 وجود نداشت﴾ خطاب به مسؤولان نظام صادر شد كه ضمن آن دربرگيرنده اين نصيحت نيز بود:

15. <***حضرات آقايان توجه داشته باشند كه مصلحت نظام از امور مهمّه­اي است كه گاهي غفلت از آن موجب شكست اسلام عزيز مي­گردد. امروز جهان اسلام، نظام جمهوري اسلامي ايران را تابلوي تمام نماي حلّ معضلات خويش مي­داند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمّه­اي است كه مقاومت در برابر آن ممكن است اسلام پابرهنگان زمين را در زمان­هاي دور و نزديك زير سؤال ببرد و اسلام آمريكايي مستكبرين و متكبرين را پيروز گرداند.***>.([[17]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn17%22%20%5Co%20%22))

16. ﴿درنامه به آيةالله منتظري﴾ <***طلاب عزيز، ائمه محترم جمعه و جماعات، روزنامه­ها و راديو تلويزيون بايد براي مردم اين قضيه ساده را روشن كنند كه در اسلام، مصلحت نظام از مسايلي است كه مقدم بر هر چيز است و همه بايد تابع آن باشيم***.>.([[18]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn18%22%20%5Co%20%22))

در همه مواردي كه امام اجازه عمل را وفق مصلحت نظام مي­دانند ـ نظير آنچه در نامه به آيةالله خامنه­اي آمده است ـ تأكيد بر موقتي بودن حكم بوده است. تأكيد بر آن مادامي كه مصلحت وجود دارد مي­توان حكم فرعي اوّلي را كنار گذارد و برابر مصلحت عمل نمود:

تا اين­جا مي­توان ولايت مطلقه از ديدگاه امام را در **دو محور مهمّ** خلاصه كرد:

**اول:** شمول همه اختيارات سياسي ـ اجتماعي و حكومتي معصومان نسبت به فقيهان جامع شرايط.

**دوم:** ملاحظه عنصر مصلحت اسلام و مسلمين و اولويت آن در مقام تزاحم با احكام اوليه فرعيه.

اين است سيماي زيباي ولايت مطلقه. ولايت مطلقه برخلاف تصور برخي از ساده انديشان كه آن را با حكومت­هاي مطلقه و استبدادي همرديف قرار مي­دادند بر اركاني استوار است كه هر تحليل­گر منصفي لب به تحسين آن مي­گشايد. **ركن اول** آن كه بسط يد وليّ فقيه در امر حكومت است، قبل از آن كه معطوف به شخص حاكم و وليّ امر باشد، مربوط به نفس حكومت است. در نامه­ي امام به آيةالله خامنه­اي گاه تعبير حاكم و گاه تعبير حكومت آمده است. آن­جا كه اشاره مي­فرمايد <حكومت مي­تواند قراردادهاي شرعي را كه خود با مردم بسته است در موقعي كه ... يك جانبه لغو كند... حكومت مي­تواند از حج كه از فرايض مهم الهي است در مواقعي كه مخالف مصالح كشور اسلامي دانست موقتاً جلوگيري كند.>. اين همان چيزي است كه تمام حكومت­هاي جهان براي دولت­ها اختيارات وسيعي را در نظر مي­گيرند. در نظام اسلامي چون مشروعيت امور با ولي فقيه است اين اختيارات را كه در واقع اختيارات حكومت است در اختيار او قرار داده شده است. **ركن دوم** آن كه با مصلحت اسلام و مسلمين پيوند برقرار مي­كند، اساساً در مقام استيفاي حقوق اجتماعي و سياسي مردم در دنياي كنوني است. ديدگاه امام در نظريه ولايت مطلقه تماماً به سوي گره­گشايي از كار مردم گرايش دارد.

17. <***اگر فرض بكنيم كه يك كسي اموالي را دارد كه مشروع هم هست، لكن اموال طوري است كه حاكم شرع، فقيه، وليّ امر، تشخيص داد كه اين به اين قدر كه هست نبايد اين قدر باشد. براي مصالح مسلمين او مي­تواند قبض كند و تصاحب كند... مالكيت را در عين حال كه شارع مقدس محترم شمرده است، لكن وليّ امر مي­تواند همين مالكيت محدودي كه ببيند خلاف مصالح مسلمين و اسلام است همين مالكيت مشروع را محدودش مي­كند به يك حد معيّني.***>.([[19]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn19%22%20%5Co%20%22))

به چند نمونه ديگر توجه كنيد:

18. <***براي مجرم در قوانين اسلام حد قرار داده شده است و جزا قرار داده شده است، بنابراين اين­ها اگر مجرم باشند و جرمشان ثابت باشد به حسب اسلام جزا برايشان هست، لكن بر وليّ امر است كه در بعضي وقت­ها كه صلاح مي­داند عفو كند.***>.([[20]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn20%22%20%5Co%20%22))

19. <***طلاق اگرچه در دست مرد است، لكن فقيه در جايي كه مصلحت اسلام را ديد، مصلحت مسلمين را ديد و در جايي كه ديد نمي­شود به غير از اين، طلاق بدهد، اين ولايت فقيه است، ولايت فقيه براي شما يك هديه الهي است.***>.([[21]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn21%22%20%5Co%20%22))

اين گونه نگاه به ولايت مطلقه كجا و برداشت استبداد از اين ولايت كجا!

20. <***ولايت فقيه، ولايت بر امور است كه نگذارد اين امور از مجاري خودش بيرون رود، نظارت كند بر مجلس، بر رئيس جمهور كه نبادا يك پاي خطايي بردارد... جلوي ديكتاتوري را مي­خواهيم بگيريم... ولايت فقيه ضد ديكتاتوري است نه ديكتاتوري.***>.([[22]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn22%22%20%5Co%20%22))

21. <***اين­ها اطلاع ندارند كه قضيه ولايت فقيه چي هست، اصلاً از ولايت فقيه سردر نمي­آورند، مي­نشينند و مي­گويند اگر بنا باشد كه ولايت فقيه بشود، ديكتاتوري مي­شود، كذا مي­شود، مگر اميرالمؤمنين كه وليّ امور مردم بود ديكتاتور بود؟! مگر خود پيامبر كه ولايت داشت ديكتاتور بود؟! مگر بگويند ولايت براي پيغمبر هم نيست، پيغمبر هم مثل ساير مردم و از اين­ها بعيد نيست اين را بگويند،***([[23]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn23%22%20%5Co%20%22)) ***... اسلام يك نفر فقيه را اگر بخواهد ديكتاتوري بكند از ولايت ساقطش مي­كند.***>.([[24]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn24%22%20%5Co%20%22))

22. <***اگر شمر هم باشد، اين آقايان اشكالي به آن ندارند، فقط فقيه را بهش اشكال دارند، اشكال هم براي آن است كه از اسلام مي­­ترسند ... والاّ حكومت اسلامي مثل حكومت علي­بن ابي­طالب كه ديكتاتوري تويش نيست، حكومتي است كه به عدل است. حكومتي است كه زندگي خودش از زندگي ساير رعيت­ها بدتر است... ديكتاتوري براي چه بكند؟! عيش و عشرتي نيست...***>.([[25]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn25%22%20%5Co%20%22))

حضرت امام با توجه به حسّاسيت حكومت و خطير بودن جايگاه زمامدار اسلامي و براي جلوگيري از هرگونه سوء استفاده از قدرت، نظارت عمومي بر صاحبان قدرت حتي صاحب ولايت مطلقه را لازم مي­دانند:

23. <***همه ملّت موظّفند كه نظارت كنند بر اين امور، نظارت كنند كه اگر من يك پايم را كنار گذاشتم، كج گذاشتم، ملّت موظف است كه بگويند پايت را كج گذاشتي، خودت را حفظ كن، مسأله، مسأله مهم است... توجه داشته باشند كه نبادا من يك وقت يك كلمه برخلاف مقررّات اسلام بگويم، اعتراض كنند، بنويسند، بگويند***>.([[26]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_edn26%22%20%5Co%20%22))

اينك مي­توان در زمينه <**ولايت مطلقه**> به داوري نشست. نظريه­اي كه در مقام حلّ معضلات جامعه و اعطاي منطقي اختيارات به حكومت و حاكم اسلامي است تا حقوق و مصالح جامعه بيش از پيش رعايت گردد و كارآمدي نظام سياسي اسلام را به اثبات رساند و به جهانيان ثابت كند كه جامعه اسلامي آن­گاه كه خود را متعهد مي­بيند در چارچوب حكومت ديني حركت نمايد برخلاف تصور ناآگاهان، هيچ گاه به بن بست نمي­رسد و اختلالي در اداره نظام به وجود نمي­آيد. سوگمندانه بايد اعتراف نمود كه در ميان طرفداران ولايت مطلقه تا چه رسد به مخالفان آن، بسياري درك درستي از آن­چه امام مي­فرمود نداشته­اند و بسيار بد از آن دفاع نموده­اند.

در پايان اشاره به نكته­اي لازم است و آن مرجع تشخيص مصلحت نظام و مكانيسم و راهكار آن است. اگر پذيرفتيم "**مصلحت نظام**" بايد رعايت گردد، برخي اشكال مي­گيرند كه تشخيص اين امر كه چه بسا با استناد به آن سوء استفاده­هايي صورت پذيرد با كيست؟ شكي نيست كه تشخيص نهايي با وليّ امر است امّا از آن­جا كه اداره امور كشور با توجه به گستره و پيچيدگي­هاي بسيار زياد و ابعاد مختلف اقتصاد اجتماعي، سياسي، فرهنگي، نظامي و غير آن­ها حسب مورد نياز به مشورت با خبرگان و متخصصان آن را دارد و تشخيص مصلحت در بسياري از اين امور جز از طريق مشورت با آنان امكان­پذير نيست، فلسفه وجودي مجمع تشخيص مصلحت نظام در جمهوري اسلامي ايران همين است.

**پي­نوشت:**

[1]. ر.ك؛ علامه حلي، مختلف الشيعه، ج 4، ص 464 و محمدحسن نجفي، جواهر الكلام، ج 40، ص 18 و ج 21، ص 397 و سيد محمد آل بحرالعلوم، بلغة الفقيه، ج 3، ص 234 و شيخ انصاري، كتاب القضاء و الشهادات، ص 49.

[[2]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref2%22%20%5Co%20%22). ولايت فقيه، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ص 50 ـ 51.

[[3]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref3%22%20%5Co%20%22). همان، ص 52 .

[[4]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref4%22%20%5Co%20%22). همان، ص 125.

[[5]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref5%22%20%5Co%20%22) . از آنچه گذشت، ولايت فقيهان از طرف معصومان در تمامي مواردي كه از جهت رهبري امت، براي معصومان ولايت وجود دارد، براي فقيهان نيز ثابت است>. كتاب البيع، ج 2، ص 488.

[[6]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref6%22%20%5Co%20%22) . فقيه عادل همه اختيارات حكومتي و سياسي پيامبر اكرم و امامان را دارا مي­باشد و اساساً [از اين جهت] فرق نهادن، معقول نيست زيرا والي ـ هر كه باشد ـ اجرا كننده احكام شريعت، اقامه كننده حدود الهي، گيرنده خراج و ماليات و متصدّي مصرف آن­ها مطابق مصلحت مسلمانان است. همان، ص 467.

[[7]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref7%22%20%5Co%20%22). همان، ص 489.

[[8]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref8%22%20%5Co%20%22) . صحيفه­ي امام، ج 19، ص 403 ﴿پيام به نمايندگان مجلس شوراي اسلامي﴾.

[[9]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref9%22%20%5Co%20%22). كتاب البيع، ج 2، ص 489.

[[10]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref10%22%20%5Co%20%22) . تحرير الوسيله، ج 1، ص 459.

[[11]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref11%22%20%5Co%20%22) . حضرت آيةالله خامنه­اي**.**

[[12]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref12%22%20%5Co%20%22) . صحيفه امام، ج 20، ص 451.

[[13]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref13%22%20%5Co%20%22) . همان، ص 452.

[[14]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref14%22%20%5Co%20%22) . همان، ج 21، ص 407.

[[15]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref15%22%20%5Co%20%22) . همان، ج 20، ص 452.

[[16]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref16%22%20%5Co%20%22) . همان، ج 15، ص 297.

[[17]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref17%22%20%5Co%20%22) . همان، ج 20، ص 465.

[[18]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref18%22%20%5Co%20%22) . همان، ج 21، ص 335.

[[19]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref19%22%20%5Co%20%22) . همان، ج 10، ص 481.

[[20]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref20%22%20%5Co%20%22) . همان، ج 11، ص 149.

[[21]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref21%22%20%5Co%20%22) . همان، ج 10، ص 407.

[[22]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref22%22%20%5Co%20%22) . همان، ج 10، ص 311.

[[23]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref23%22%20%5Co%20%22) . اتفاقاً كساني مثل مرحوم مهدي حايري در كتاب حكمت و حكومت گفته­اند!

[[24]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref24%22%20%5Co%20%22) . صحيفه نور، ج 10، ص 410 و 411.

[[25]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref25%22%20%5Co%20%22) . همان، ج 11، ص 305 و 306.

[[26]](http://www.j-alzahra.ir/mags/21/09-21/17-09-21.htm%22%20%5Cl%20%22_ednref26%22%20%5Co%20%22) . همان، ج 8 ، ص 604 .